

با درود و سپاس بر تمامی کائنات عالم هستی و آقای شهبازی نازنین
برنامه ۹۱۱، غزل ۲۵۸۲ و ابیات انتخابی

به نام خداوند عشق

خواهم که روم زینجا، پایم بگریفتنی
دل را بربودستی، در دل بنشستنی
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۵۸۲

خداوندا درست است که مرکز را اجسام فرا گرفته است و دلم از طریق اجسام بیرونی روده می شود حرصم به چیزها در واقع
عشق به توست.

اگر بخواهم سرکشی کنم و اتقوا و پرهیز را زیر پا بگذارم با رویدادها و اتفاقات دردزا پایم را می کشی و می خواهی که مرا به تصرف
خودت در آوری که هیچ جایی نمی توانم بروم. و به من یاد آور می شوی که مرکزت را همانیدگی ها قرار داده ای و آنها را ستایش
می کنی چرا که اول و آخرم تویی و سیر تکاملی مرا اینگونه قرار دادی که:

چون ز زنده مرده بیرون می کند
نفس زنده سوی مرگی می تند
-مولوی، مثنوی، دفتر پنجم، بیت ۵۵۰

و می خواهی که از مردگی من ذهنی که به زور اجسام را در مرکز قرار داده ام زندگی زنده که همان خدایت توست که تمامی
وجودم را فرا گرفته است را بیرون بیاوری و درونم را پاک و به خودت زنده گردانی.

هیچ کنجی بی دد و بی دام نیست
جز به خلوت گاه حق، آرام نیست
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۵۹۱

در حالی که تنها فضای گشوده شده و مرکز عدم است که محل آرامش و امنیت ما می باشد.

از هر جهتی تو را بلا داد
تا بازکشد به بی جهات
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۳۶۸

و خداوندا تو هر لحظه می خواهی مرا با جهات مختلفی از جمله: فکرها و باورهای اشتباه که برحسب آنها می بینم و قضاوت و
مقاومت می کنم و از آنها تأیید و توجه و جهت و هدف که زندگی زنده مرا اشغال کرده اند به بی جهتی که همان مرکز عدم و
فضای گشوده شده است بکشانی و به نیستی برسانی.

همه را بیازمودم ز تو خوشترم نیامد
چو فروشدم به دریا چو تو گوهرم نیامد
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۷۷۰

و خداوندا همه راه های مختلف را رفته ام و از همه چیزهای مادی این جهانی از جمله همسر و فرزند خوشبختی و سعادت می خواستم
و همه باورهای پوسیده گذشتگان و مقام و پول را آزمودم ولی خوش تر و بهتر و زیباتر از گوهر هوشیاری حضور و دریای یکتایی
تو با مرکز عدم که می توانم در آن شناور باشم و به فضای خشکیده دردزای ذهن نروم را پیدا نکردم.

چون دید که می سوزم گفتا که قلاووزم
راهیت بیاموزم کان راه نرفتستی
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۵۸۲

و خداوندا تو می دانی که تا به حال راه همانیدگی ها را در پیش گرفته بودم و از آنها کمک و یاری می خواستم، ولی وقتی که سوز
و گداز و طلب حقیقی مرا یافتی که در افسانه من ذهنی و باورهای درد زا دست و پا می زدم دستم را گرفتی و به سوی برنامه گنج
حضور و اشعار مولانای جان هدایت کردی و راه را نشانم دادی، آن هم راهی که تا به حال تجربه نکرده بودم.

شاد آن صبحی که جان را چاره‌آموزی کنی
چاره او یابد که تش بیچارگی روزی کنی
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۷۷۷

و خوشا به حال آن لحظه‌ای که تو تعلیم دهنده جانم شوی، آن موقع من تسلیم امر تو می‌شوم و فضای درونم را با مرکز عدم گشوده می‌سازم که جانم را در دست بگیری و تدبیر و خردت را به من بیاموزی، چرا که قبلاً از تدبیرهای من ذهنی استفاده می‌کردم و راه حل می‌خواستیم و تو به من فهماندی که اگر به جهات مختلف مادی بروم بیچاره خواهم شد و چاره کار و زندگی‌ام پیش تو می‌باشد.

در جستن او با او، هم‌ره شده و می‌جو
ای دوست ز پیدایی، گویی که نهفتستی
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۵۸۲

و برای جستن و یافتن و پیدا کردن تو فقط کافیسست که فضا را باز کنم و هوشیارانه با تو همراه شوم و در واقع تو را در درونم جست و جو نمایم، چرا که تمامی وجودم را فرا گرفته‌ای و همه وجودم از آن تو می‌باشد. و از پیدایی و آشکار بودن بی اندازه‌ات بود که تو را نمی‌یافتم و به اشتباه تو را در اجسام و باورها و مکان‌ها جستجو می‌کردم.

جئتَ أَقْرَبَ أَنْتَ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ
كَمْ أَقْلُ يَا، يَا نِدَاءَ لِلْبَعِيدِ
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۶۶۸

«و تو از رگ گردن به من نزدیکتری تا کی در خطابم به تو بگویم "یا" چرا که حرف ندای "یا" برای خواندن شخصی از مسافت دور است.»

استیزه مکن، مملکت عشق طلب کن
کاین مملکتت از مَلِکِ الْمَوْتِ رِهاند
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۶۵۲

پس در نتیجه: نه بر حسب همانیدگی‌ها ستیزه می‌کنم و نه بر حسب آنها صحبت و قضاوت، بلکه بر حسب عشق و زندگی و فضای گشوده شده، فضای یکتایی را طلب می‌کنم و این سرزمین عشق است که مرا از مرگ در ذهن می‌رهاند و حتی عزرائیل هم نمی‌تواند در این زمینه کاری انجام دهد، چرا که جان من با جان اصلی‌ام یکی شده است.

و در پایان: وقتی که خرد بی منت‌های کائنات سرگرم کار است، زندگی شخصی کوچک من زهرا را هم اداره می‌کند.

ای ز غم مرده که دست از نان تهی است
چون غفور ست و رحیم، این ترس چیست؟
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۳۰۸۷

پر انرژی و سالم بمانید.
خیلی ممنون، خدا نگهدار شما
-زهرا سلامتی